

ایران ورزشی

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیات مدیره: صادق حسین جباری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول: علی مقتیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سرمدبیر ایران ورزشی: علی جوادی
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۳۳ | فکس: ۸۴۷۱۱۷۳
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ | ۸۸۵۵۱۰۰۰ | ۸۸۷۴۶۵۸۳
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ | ۸۸۷۴۸۸۰۰ | ۸۸۵۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

آکادمی های ایران و اسپانیا؛ دو دنیای موازی

فاصله میان این دو رویکرد را می‌توان به چند رقم ساده نشان داد. آکادمی اتلتیکو مادرید با پیش از صد متخصص، شامل مربی، مربی بدنساز، کارشناس دروازه‌بانی، نزدیک به هزاروسد بازیکن از حدود چهل ملیت مختلف را آموزش می‌دهد و جلسات آموزش اخلاق، برابری جنسیتی و پیشگیری از خشونت، بخشی ثابت از برنامه هفتگی همه

رده‌های سنی است. در مقابل، گزارش‌های میدانی از ایران نشان می‌دهند که بسیاری از آکادمی‌ها و مدارس فوتبال کشور، حتی در ابتدایی‌ترین سطح با کمبود زمین استاندارد، تجهیزات کافی و امکانات رفاهی مناسب دست به گریبان هستند؛ چه رسد به برنامه‌های منظم آموزش اخلاق.

در لاماسیا، آموزش ارزش‌ها از همان سنین پایین

آغاز می‌شود و در تمام فعالیت‌های روزانه جاری است؛ در آژاکس، «شخصیت» بازیکن، دقیقاً مانند مهارت فنی‌اش، اندازه‌گیری و ثبت می‌شود. ایران، اما آموزش اخلاق بیشتر به شکل رویدادهای پراکنده و عمدتاً محدود به سطح تیم‌های ملی برگزار می‌شود، نه برنامه‌ای نظام‌مند که ریشه در همه سطوح آکادمی‌ها داشته باشد.

ماجرای مرغوبکار تنها یک اتفاق نیست

اتفاق رخ داده در مرغوبکار را نمی‌توان صرفاً یک حادثه منفرد دانست. فوتبال پایه ایران در سال‌های اخیر نمونه‌های دیگری از درگیری میان بازیکنان، مربیان و حتی عوامل مسابقات را تجربه کرده است. وقتی نمونه‌های مشابه در رده‌های مختلف سنی تکرار می‌شوند، دیگر نمی‌توان همه آنها را اتفاقاتی تصادفی دانست. این مسأله نیازمند بررسی جدی‌تری است.

فوتبال پایه فقط فوتبال نیست

آکادمی فوتبال قرار نیست صرفاً کارخانه تولید بازیکن باشد. بازیکنی که وارد یک آکادمی می‌شود، باید علاوه بر تکنیک و تاکتیک، اصول رفتار حرفه‌ای را نیز یاد بگیرد. در آکادمی‌های معتبر دنیا، موضوعاتی مانند احترام به داور، پذیرش شکست، کنترل خشم، کار گروهی و رفتار مناسب با رقیب، بخشی از فرایند آموزش است. بازیکن نوجوان باید یاد بگیرد که شکست پایان دنیا نیست و پیروزی نیز مجوز توهین و خشونت نیست.

در چنین ساختاری، خانواده نیز بخشی از فرایند تربیتی است. والدین باید بدانند که تشویق فرزندشان به هر قیمت برای پیروزی، می‌تواند پیام‌آشتیابی به او منتقل کند. کودک و نوجوانی که از روی سکو فریاد اعتراض به داور را می‌شنود یا رفتار تند مربی خود را می‌بیند، به تدریج همان رفتار را بخشی از فرهنگ فوتبال تصور می‌کند.

مشکل از کجا شروع می‌شود؟

شاید مهم‌ترین سؤال این باشد که چرا چنین فضایی در فوتبال پایه ایران شکل گرفته است؟ بخشی از پاسخ را باید در فشار نتیجه‌جست‌وجو کرد. وقتی نتیجه یک مسابقه نوجوانان برای مربی، خانواده، مدیر باشگاه و حتی خود بازیکن به مسأله‌ای حیاتی تبدیل می‌شود، فوتبال از مسیر تربیتی خود فاصله می‌گیرد. مربی برای حفظ جایگاه خود تحت فشار است، خانواده موفقیت فرزندش را می‌خواهد و بازیکن نوجوان نیز احساس می‌کند شکست به معنای از دست رفتن فرصت آینده است. در چنین شرایطی، کوچک‌ترین اتفاق می‌تواند به یک چالش تبدیل شود. اگر ریشه‌های چنین رفتارهایی بررسی نشود، ممکن است محرومیت چند بازیکن یا حتی یک تیم، تنها واکنشی کوتاه‌مدت باشد. بازیکنی که امروز در ۱۵ یا ۱۶ سالگی وارد یک درگیری دسته‌جمعی می‌شود، اگر آموزش مناسبی دریافت نکند، چند سال بعد همین رفتار را با خود به رده‌های بالاتر خواهد برد.

گزارش ناظر مسابقه به طور موقت از فعالیت محروم شدند.

اعترافی از درون سیستم

ساعاتی پس از حادثه، اصغر خانی، مدیر مدارس فوتبال آکادمی استقلال در گفت‌وگویی ضمن دفاع نسبی از بازیکنان تیم خود، به نکته‌ای اشاره کرد که اهمیت آن فراتر از یک اظهار نظر ساده بود. او گفت: نباید فقط بازیکنان نوجوان را مقصر دانست، چرا که در این سن طبیعی است تحت تأثیر فضای مسابقه قرار بگیرند؛ این مربیان و خانواده‌ها هستند که باید بتوانند اوضاع را کنترل کنند. اما جمله‌ای که او در ادامه بر زبان آورد، به سرعت به تیتروسانه‌ها تبدیل شد: فوتبال پایه به میدان جنگ تبدیل شده، چون مربیانی که فریاد نمی‌زنند، تصور می‌کنند حق‌شان خورده می‌شود. این جمله، از زبان کسی که سال‌ها در یکی از بزرگ‌ترین آکادمی‌های کشور فعالیت کرده، چیزی فراتر از یک انتقاد است؛ اعترافی به وجود یک مسأله جدی. اعتراف به اینکه فریاد پر خاش از در فوتبال پایه ایران، دیگر صرفاً انحراف از هنجار نیست، بلکه در مواردی به بخشی از رفتار رایج تبدیل شده است.

او هشدار داد که اگر این روند ادامه یابد، ده سال دیگر مربیان دچار مشکلات قلبی خواهند شد؛ جمله‌ای که هر چند به‌ظاهر اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد، اما بازتاب فرسایش روانی‌ای است که در کنار زمین‌های فوتبال پایه جریان دارد.

وقتی کنار زمین هم آرام نیست

در این میان، نقش مربیان و خانواده‌ها نیز اهمیت زیادی دارد. بازیکنان نوجوان هنوز در مرحله آموزش قرار دارند و طبیعی است که در شرایط پراسترس، واکنش‌های هیجانی داشته باشند. وظیفه بزرگسالان حاضر در کنار زمین این است که چنین هیجانی را کنترل کنند، نه اینکه بر شدت آن بیفزایند.

محرومیت پایان ماجرا نیست

برخورد انضباطی با چنین اتفاقاتی ضروری است، اما پرسش اصلی اینجاست که آیا محرومیت می‌تواند مسأله فوتبال پایه را حل کند؟ اگر ریشه‌های چنین رفتارهایی بررسی نشود، ممکن است محرومیت چند بازیکن یا حتی یک تیم، تنها واکنشی کوتاه‌مدت باشد. بازیکنی که امروز در ۱۵ یا ۱۶ سالگی وارد یک درگیری دسته‌جمعی می‌شود، اگر آموزش مناسبی دریافت نکند، چند سال بعد همین رفتار را با خود به رده‌های بالاتر خواهد برد.



گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور

خبرنگار

درگیری شدید میان بازیکنان دو تیم کشیده شد. تصاویری که از این اتفاق منتشر شد، بیشتر به یک نزاع خیابانی شباهت داشت تا مسابقه‌ای میان نوجوانان ۱۵ و ۱۶ساله. مشت و لگد، هجوم گروهی بازیکنان و ورود مربیان به جریان درگیری، صحنه‌هایی تلخ را رقم زد؛ صحنه‌هایی که بار دیگر بحث درباره وضعیت فوتبال پایه و نحوه تربیت نسل آینده فوتبال ایران را جدی‌تر کرده است.

شرح یک شب سیاه در مرغوبکار

براساس گزارش‌های منتشرشده، دیدار نوجوانان استقلال و شاهین تا دقیقه ۸۸ توافق که دو شب پیش در ورزشگاه مرغوبکار تهران رخ داد، تصویری متفاوت به سواد استقلال پیش می‌رفت. تنش از همان نیمه اول با اخراج یک بازیکن استقلال به دلیل دریافت کارت زرد دوم، آغاز شده بود و اعتراض نیمکت‌ها

نیز فضای مسابقه را ملتهب نگه داشته بود. در نیمه دوم، این التهاب رفته‌رفته افزایش یافت تا اینکه در دقایق پایانی، خطایی در میانه زمین جرقه‌ای شد برای واکنشی که به سرعت از یک بحث دوفره به نزاعی دسته‌جمعی تبدیل شد. برخی گزارش‌ها زمان آغاز درگیری را حتی زودتر، از دقیقه ۸۲ ثبت کرده‌اند و تصاویر منتشرشده نیز با صحنه‌های رنگین بوکس مقایسه شده‌اند. داور مسابقه سرانجام با اخراج چهار بازیکن تلاش کرد به نزاع پایان دهد، اما بازی در دقایق پایانی با تنها هفت بازیکن از هر تیم، به زحمت ادامه یافت. کمیته انضباطی هیأت فوتبال استان تهران در ساعات نخست پس از حادثه وارد عمل شد. دستور موقت صادر شد و تمام بازیکنان حاضر در فهرست دو تیم تا رسیدن

بازیکنان نوجوان

هنوز در مرحله آموزش قرار دارند و طبیعی است که در شرایط پراسترس، واکنش‌های هیجانی داشته باشند. وظیفه بزرگسالان حاضر در کنار زمین این است که چنین هیجانی را کنترل کنند، نه اینکه بر شدت آن بیفزایند

چرا آکادمی‌های ما به میدان جنگ تبدیل شدند؟

ریشه‌هایی این چالش، به چند عامل به هم پیوسته بازمی‌گردد. نخستین عامل، نگاه تجاری صرف به فوتبال پایه است. وقتی آکادمی‌ها به جای مراکز تربیتی، به بنگاه‌هایی برای فروش بازیکن و کسب درآمد سریع بدل می‌شوند، نخستین قربانی این نگاه، اخلاق است. کارشناسان فوتبال پایه، ریشه این چالش را مستقیماً در ساختار آموزشی آکادمی‌های کشور جست‌وجو می‌کنند.

عامل دوم، مدیریت جزیره‌ای و نبود نظارت منسجم است. ضعف ساختاری در آکادمی‌ها، نبود ارتباط منظم میان رده‌های پایه و تیم بزرگسالان و غفلت از آموزش علمی مربیان، چرخه‌ای ناکارآمد ساخته‌اند. نبود یک برنامه‌ریزی ملی منسجم، مانع از شناخت درست استعدادها و نقاط مختلف کشور شده و در نهایت، فوتبال ملی ایران را در سطح ریشه‌ای تضعیف کرده است. عامل سوم، کمبود مربیان دارای صلاحیت کافی است. بسیاری از مربیانی که در رده‌های پایه فعالیت می‌کنند، نه تنها آموزش تخصصی و روان‌شناختی کافی ندیده‌اند، بلکه خود به الگویی از پرخاشگری برای بازیکنان جوان بدل شده‌اند. برخی کارشناسان فوتبال حتی از عبارتی تندتر استفاده کرده و تیم‌های پایه را «جولانگاه افراد فاسد، هم از نظر اخلاقی و هم از نظر مالی» توصیف کرده‌اند. عامل چهارم، نقش خانواده‌ها در تشدید التهاب است. همان‌طور که اصغر خانی نیز اشاره کرد، بسیاری از خانواده‌ها از روی سکو «مربیگری» می‌کنند، فریاد می‌زنند و با اعتراض‌های پی‌پی‌پ، بر التهاب زمین می‌افزایند. بازیکن نوجوانی که چنین فضایی را می‌بیند، به‌طور ناخودآگاه آن را بخشی طبیعی از فوتبال تصور می‌کند؛ درست برخلاف مدلی مانند اتلتیکو مادرید که خانواده‌ها را «متحد» فرایند تربیت می‌داند، نه عاملی برای افزودن بر تنش. عامل پنجم، نبود یک برنامه آموزش اخلاق ساختاریافته و فراگیر است. برگزاری چندده کارگاه برانگنده، هر چند گامی مثبت است، اما در برابر مدلی که در آن آموزش اخلاق بخشی ثابت از برنامه هفتگی همه رده‌های سنی است، بسیار ناکافی به نظر می‌رسد و در نهایت عامل ششم، نهادینه‌شدن فرهنگ «داد و فریاد» به عنوان هنجار غالب است؛ فرهنگی که در آن، آرامش و خویش‌نشانداری، به جای آنکه ارزش تلقی شود، نشانه ضعف قلمداد می‌شود.

راهی به سوی بازسازی

راه برون‌رفت از این وضعیت، بدون یک تغییر ساختاری، ممکن نیست. نخستین گام، تدوین یک منشور اخلاقی الزامی برای تمام آکادمی‌هاست؛ چیزی شبیه راهنمای استخدام اخلاقی فیفا یا راهنمای ارزش‌های بارسلونا که تمام باشگاه‌ها بدون استثنا ملزم به رعایت آن باشند. گام دوم، آموزش اجباری اخلاق و روان‌شناسی کودک و نوجوان برای مربیان پایه، پیش از صدور هرگونه مجوز فعالیت است؛ همان‌طور که در آژاکس، نقش مربی پیش از هر چیز «کنترل‌کننده» تعریف می‌شود، نه «تحریک‌کننده».

گام سوم، تبدیل جلسات پراکنده آموزش اخلاق به برنامه‌ای منظم و هفتگی که در تمام آکادمی‌هاست؛ موضوعاتی چون کنترل خشم، احترام به داور و حرف، پذیرش شکست و استفاده مسئولانه از فضای مجازی. گام چهارم، بازتربیت نقش خانواده‌ها، از عاملی برای تشدید تنش به شریکی در فرایند تربیت؛ درست همان‌طور که در اتلتیکو مادرید، راهنمایی مشخص برای والدین تدوین شده است. گام پنجم، نظارت مستمر و برخورد قاطع اما هدفمند با تخلفات؛ محرومیت‌های جمعی، هر چند در کوتاه‌مدت بازدارنده‌اند، اما در بلندمدت باید جای خود را به مجازات‌های دقیق‌تر آموزشی تر دهند. بویژه برای باشگاه‌هایی که مربیان‌شان مستقیماً در ایجاد درگیری نقش داشته‌اند. و گام ششم، بازگشت به فلسفه اصلی فوتبال پایه؛ ایجاد فضایی امن که در آن، بازیکن نوجوان بتواند اشتباه کند، بیاموزد و رشد کند، بدون ترس از تحقیر یا تنبیه.

مربیان پایه معلمان اخلاق و تربیت هستند

پناهگر: فوتبال بدون اخلاق، فقط یک تجارت بی‌ریشه است

فوتبال امروز از یک فعالیت تفریحی به صنعت و تجارت تبدیل شده است اما به باور قاسم پناهگر، مربی و کارشناس فوتبال پایه، این تحول نباید اخلاق و تربیت را به حاشیه براند. او معتقد است اگر باشگاه‌ها و مدیران به پرورش نسل جدید و حمایت از مربیان پایه بی‌توجه باشند، فوتبال ایران حتی با پول و سرمایه هم ماندگار نخواهد بود.

آقای پناهگر، فوتبال امروز چه تفاوتی با گذشته دارد؟

فوتبال دیگر صرفاً یک فعالیت تفریحی نیست؛ به صنعت و تجارت تبدیل شده است. به همین دلیل، سرمایه‌گذاری و تأمین امنیت سرمایه نقش مهمی در ماندگاری تیم‌ها دارد. اما اگر این صنعت از اخلاق و تربیت جدا شود، فقط یک کسب‌وکار بی‌ریشه می‌ماند. فوتبال حرفه‌ای بدون اخلاق حرفه‌ای معنا ندارد.

این تغییر چه تأثیری بر رده‌های پایه گذاشته است؟

در شرایط فعلی حتی بازیکنان رده‌های نوجوانان و جوانان نیز بدون قرارداد فعالیت نمی‌کنند. در گذشته بازیکنان با امکانات کمتری وارد فوتبال می‌شدند و باشگاه‌های ریشه‌دار نقش پررنگ‌تری در پرورش بازیکن داشتند. آن باشگاه‌ها فقط تیم نمی‌ساختند؛ انسان و بازیکن تربیت می‌کردند. امروز این قرارداد و منافع مالی زودتر از تربیت وارد می‌شود و همین موضوع، ریشه‌های اخلاقی فوتبال پایه را ضعیف کرده است.

مدیریت چه نقشی در وضعیت کنونی فوتبال تهران دارد؟

مدیریت یکی از عوامل اصلی وضعیت کنونی فوتبال تهران است. اداره فوتبال به مدیران متخصص نیاز دارد. مدیر ورزشی باید دانش مرتبط و تجربه عملی در همین حوزه داشته باشد. استفاده از افراد کارآموده می‌تواند به اصلاح شرایط کمک کند. مدیریت غیرتخصصی، هم به اخلاق حرفه‌ای آسیب می‌زند و هم فرصت تربیت درست نسل جدید را از بین می‌برد.

مهم‌ترین ضعف در فوتبال پایه چیست؟

ضعف زیرساخت و توجه ناکافی به فوتبال پایه. مربیان این بخش به اندازه کافی مورد توجه قرار نمی‌گیرند و برنامه‌های دانش‌افزایی و کلاس‌های پیشرفته برای آنها برگزار نمی‌شود. اگر مربی پایه آموزش نبیند، چگونه می‌تواند اخلاق، انضباط و تربیت را به بازیکن نوجوان منتقل کند؟ اگر هدف، پیشرفت فوتبال ایران در سطح آسیا و جهان است، ابتدا باید مربیان توانمند تربیت شوند.

برخی تصور می‌کنند عشق به فوتبال برای اداره یک تیم کافی است. نظر شما چیست؟

عشق به فوتبال لازم است، اما کافی نیست. سرمایه‌گذار به امنیت سرمایه خود نیاز دارد. وقتی هزینه‌های یک تیم به صورت یک طرفه بدوش سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد و پس از چند سال مبالغ سنگینی هزینه می‌شود، ادامه این مسیر برای سرمایه‌گذار دشوار خواهد بود. اینجاست که اخلاق حرفه‌ای حکم می‌کند



قراردادها شفاف باشد، حمایت ساختاری وجود داشته باشد و سرمایه‌گذار احساس امنیت کند.

برای بازسازی فوتبال تهران چه اولویت‌هایی را ضروری می‌دانید؟

بازگشت به ساختارهای اصولی، توجه به فوتبال پایه، استفاده از مدیران و مربیان باتجربه و ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری از ضرورت‌های بازسازی فوتبال تهران است. اما در مرکز همه اینها باید اخلاق و تربیت قرار بگیرد. بدون تربیت، استعدادها هدر می‌روند و بدون اخلاق، صنعت فوتبال هم دوام نمی‌آورد.

حرف آخر؟

فوتبال را باید از پایه با اخلاق و تربیت ساخت. قهرمانی می‌تواند بیاید و برود، اما بازیکن و انسانی که تربیت می‌شود، ماندگار است. اگر اخلاق و تربیت را از فوتبال بگیریم، چیزی جز یک تجارت بی‌ریشه باقی نمی‌ماند.

مشکل اصلی در اجرای مقررات است

رحیم‌پور: اخلاق باید از فوتبال پایه آغاز شود

سیامک رحیم‌پور، کارشناس فوتبال پایه، با اشاره به شرایط فوتبال پایه در ایران گفت: «فوتبال پایه زمانی می‌تواند مسیر درستی پیدا کند که قانون، اخلاق و نظارت در کنار یکدیگر قرار بگیرند. ما در سال‌های گذشته درباره مشکلات فوتبال پایه بسیار صحبت کرده‌ایم و حتی پیشنهادهای کارشناسی متعددی ارائه شده، اما وقتی مقررات به درستی اجرا نشود، نمی‌توان انتظار تغییر جدی داشت.»

وی ادامه داد: «فوتبال روز دنیا هر سال استانداردهای آکادمی‌داری را به‌روز می‌کند. باشگاه‌هایی مانند بارسلونا، رئال مادرید، منچستر سیتی و منچسترنیوایتد برای فوتبال پایه خود برنامه مشخص دارند و قوانین و ساختارهای داخلی باشگاه را در جهت تربیت بازیکن به‌کار می‌گیرند. ما نیز مقررات و استاندارد داریم، اما مشکل زمانی ایجاد می‌شود که به جای اجرای قانون، راه‌هایی برای دور زدن آن پیدا شود. به اعتقاد من، این مسأله فقط یک مشکل مدیریتی نیست؛ بخشی از آن به فرهنگ و اخلاق حرفه‌ای فوتبال بازمی‌گردد.»

رحیم‌پور تأکید کرد: «قانون زمانی معنا

پیدا می‌کند که همه در برابر آن مسئول باشند. اگر باشگاهی مقرراتی را که به سودش نیست اجرا نکند و نظارتی هم وجود نداشته باشد، عملاً قانون کارگرد خود را از دست می‌دهد. به همین دلیل بارها گفته‌ام مشکل فوتبال ایران الزاماً در وضع قانون نیست؛ مشکل اصلی در اجرا و نظارت بر اجرای قانون است.»

این کارشناس فوتبال افزود: «اخلاق در فوتبال پایه اهمیت بیشتری دارد، چون ما با بازیکنانی مواجه هستیم که هنوز در مرحله شکل‌گیری شخصیت ورزشی‌شان قرار دارند. اگر بازیکن از سنین پایین یاد بگیرد که نتیجه به هر قیمتی مهم‌تر از قانون، رقابت سالم و شایستگی است، نمی‌توان در آینده از قانون رفتار حرفه‌ای داشت. آکادمی فقط محل آموزش تکنیک و تاکتیک نیست؛ باید محل آموزش اخلاق، انضباط و مسئولیت‌پذیری نیز باشد.»

رحیم‌پور ادامه داد: «اگر مقرراتی برای حمایت و شکل دادن شخصیت بازیکنان جوان و محصولات آکادمی وجود داشته باشد، نمی‌توان ضمانت اجرایی داشت. باید هم توان قانونی تصویب کرد و سپس اجرای آن را به سلیقه مدیران